

پرسش ۸۷: علت ولادت علی در کعبه.

سؤال / ۸۷: هل هناك سبب لولادة علي (عليه السلام) في الكعبة؟

آیا برای ولادت علی (علیه السلام) در کعبه، دلیلی وجود دارد؟

الجواب: الكعبة أو بيت الله الحرام إنما هو تجلي وظهور للبيت المعمور الذي وضع في السماء لتطوف عليه الملائكة، وتستغفر عن مجادلتها لله سبحانه وتعالى في أمر خليفته آدم (عليه السلام). ولما تعدى آدم (عليه السلام) على شجرة علم آل محمد (عليهم السلام) وشجرة الولاية (وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً) [301]، أي على تحمّل الولاية لآل محمد (عليهم السلام) [302]، أنزل إلى الأرض وأمر بالطواف حول الكعبة ليغفر الله له تقصيره.

پاسخ: کعبه یا بیت الله الحرام در واقع، تجلی و ظهور بیت المعمور است که در آسمان قرار داده شد تا فرشتگان گرد آن طواف کنند و به جهت اعتراض و جدالی که برای فرمان جانشین خداوند -آدم- با خداوند سبحان و متعال داشتند، درخواست آمرزش نمایند. هنگامی که آدم (علیه السلام) به درخت علم آل محمد (علیهم السلام) و درخت ولایت، تعدی و دست درازی نمود (و او را استوار و ثابت قدم نیافتیم) [303] یعنی برای تحمّل کردن ولایت آل محمد (علیهم السلام) [304] به زمین فرود آورده شد و به طواف گرد کعبه فرمان داده شد تا خداوند از سر تقصیر و کوتاهی اش بگذرد.

ثم إنَّ الله شرع الحج إلى بيته الحرام (الكعبة) ليعرض الناس على حجة الله في زمانهم ولايتهم ويعترفوا بالتقصير ويستغفروا عن تقصيرهم في حقه [305]، كما أنَّ الله أمر المسلمين أن يجعلوا الكعبة قبلة لهم دون الأمم السابقة حيث كانت القبلة بيت المقدس.

سپس خداوند به جا آوردن حج به سوی خانه اش -بیت الله الحرام (کعبه)- را تشریح نمود تا مردم به وسیله ی آن، ولایتشان را بر حجّت خدا در زمان شان عرضه، و به

تقصیر و کوتاهی در حق او اعتراف، و از تقصیر و کوتاهی که در حق او روا داشته‌اند، استغفار و طلب بخشش نمایند؛ [306] همان‌طور که که خداوند به مسلمانان دستور داد تا کعبه را قبله‌ی خویش بدانند، برخلاف امت‌های پیشین که بیت‌المقدس قبله‌شان بوده است.

وهنا أمور:

۱: الكعبة مرتبطة بالولاية ارتباطاً وثيقاً، حيث جعل الحج إليها للقاء الحجة، وعرض الولاية عليه من الناس والاستغفار عن التقصير في حقه.

۲: الكعبة قبلة الصلاة والسجود لله سبحانه وتعالى، مع أنّ السجود قبلها كان لأدم (عليه السلام) خليفة الله وحجته، بل إنّ السجود كان للنور الذي في صلبه وهو نور أمير المؤمنين علي (عليه السلام)، فالقبلة الأولى التي ولى الملائكة وجوههم شطرها هي علي بن أبي طالب (عليه السلام)، فالقبلة الحقيقية ليست الكعبة والأحجار، إنما القبلة هي الجوهرة التي ولدتها الكعبة، وهي ولي الله وحجته التامة علي بن أبي طالب (عليه السلام)، ولهذا وضع الحجر الأسود في ركن الكعبة؛ لأنه كتاب الميثاق الذي أخذ الله على الناس بولاية علي بن أبي طالب (عليه السلام).

در این خصوص نکاتی چند وجود دارد:

۱- کعبه، ارتباط تنگاتنگی با ولایت دارد؛ چرا که حج به سوی آن، برای دیدار با حجّت و عرضه‌ی ولایت بر وی از جانب مردم و استغفار و درخواست بخشش از تقصیر و کوتاهی در حق او، قرار داده شده است.

۲- کعبه، قبله‌ی نماز و سجود برای خداوند سبحان و متعال است، با اینکه سجده پیش از آن، برای آدم -خليفة و جانشین خدا و حجّت او- بوده است؛ و حتی سجده برای نوری بوده که در صلب او بود، که همان نور امیر المؤمنین می‌باشد. بنابراین نخستین

قبله‌ای که فرشتگان روی به سویش آوردند، علی بن ابی طالب (علیه السلام) می‌باشد. بنابراین قبله‌ی حقیقی، کعبه و سنگ‌ها نیست؛ بلکه آن گوهری است که کعبه به دنیایش آورد و او، همان ولیّ خدا و حجّت تام الهی، علی بن ابی طالب می‌باشد. از همین رو حجر الاسود در رکن کعبه قرار داده شده است؛ چرا که این سنگ، کتاب میثاقی است که خداوند بر ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) از مردم گرفته است.

فالذي يتوجه إلى الكعبة يعترف مقهوراً بولاية علي بن أبي طالب (عليه السلام) بفعله وإن كان كافراً بها بقوله وقلبه، قال تعالى: (وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً) ([307])، طوعاً من اعترف بالولاية وكرهاً من لم يعترف بالولاية.

بنابراین کسی که روی به کعبه می‌آورد، در عمل، به ناچار به ولایت علی بن ابی طالب اقرار و اعتراف می‌کند؛ حتی اگر در گفتار و در قلبش، به آن کافر باشد. حق تعالی می‌فرماید: (خواه و ناخواه برای خداوند سجده می‌کنند همه‌ی آنها که در آسمان‌ها و زمین هستند) ([308])؛ از روی میل و رغبت برای کسی که به ولایت اقرار کرده، و کسی که به ولایت اقرار ندارد، از سر بی‌میلی و اجبار.

وقال تعالى: (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ) ([309]).

حق تعالی می‌فرماید: (آیا نمی‌بینی که هر کس در آسمان‌ها و هر کس که در زمین است، و آفتاب و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم، خدا را سجده می‌کنند؟ و بر بسیاری عذاب محقق شده است، و هر که را خدا خوار سازد هیچ کرامت‌بخشی نخواهد داشت؛ زیرا خداوند هر چه بخواهد همان می‌کند) ([310]).

فالذين يسجدون وحق عليهم العذاب هم الذين لا يعترفون بولاية علي (عليه السلام) بقولهم ولا بقلوبهم، ولكنهم مقهورون على الاعتراف بها بأفعالهم، وسجودهم إلى الصدفة التي ولدت علياً (عليه السلام) وهي الكعبة، والله سبحانه وتعالى أهانهم بهذا السجود وسيكون حسرة عليهم (وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ) ([311]).

کسانی که سجده می کنند و در عین حال، عذاب بر آنها محقق گشته است، کسانی هستند که ولایت علی (علیه السلام) را نه با گفتار اعتراف می کنند و نه در دل هاشان قبول دارند؛ ولی با اعمال و کردار خود، به ناچار، مجبور به اعتراف به آن هستند، و سجده گزاری آنها بر حسب اتفاق، بر مکانی است که علی در آن متولد شده می باشد؛ یعنی همان کعبه، و خداوند سبحان و متعال با این سجده گزاری آنها را خوار و حقیر نموده است و این حسرتی برای آنها خواهد بود: (و هر که را خدا خوار سازد هیچ کرامت بخشی نخواهد داشت) ([312]).

ويبقى أنّ القبلة هي ما يُتَوَجَّه به إلى الله وتَعْرِف به الله سبحانه وتعالى، فالقبلة الحقيقية هي الإنسان الكامل، فبه يعرف الله وهو وجه الله سبحانه وتعالى الذي واجه به خلقه، فالتوجه إليه توجه إلى الله. والإنسان الكامل هو علي بن أبي طالب (عليه السلام) سيد الأوصياء والأولياء، وقد أخرج الله من الكعبة ليقول للناس إنّ هذا الإنسان هو قبلكم وإليه حركم، وليقول الله سبحانه وتعالى إني ما خلقت الكعبة إلا لأجل علي (عليه السلام) وليولد فيها علي (عليه السلام)، فلو كان لي ولد لكان الذي ولد في بيتي، (قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ) ([313]).

آنچه باقی می ماند، این است که قبله، همان چیزی است که به واسطه آن به سوی خداوند روی آورده، و با آن، خداوند سبحان و متعال شناخته می شود. بنابراین، قبله ی حقیقی، انسان کامل است که با او خداوند شناخته می شود، و او، همان وجه الله سبحان و متعال است که با آن با خلقش رویارو گشته است و توجّه و رو کردن به او، همان توجّه به خداوند می باشد، و انسان کامل، علی بن ابی طالب (علیه السلام)، سرور اوصیا و اولیا است. خداوند او را از کعبه به در آورد تا به مردم بگوید که این انسان،

قبله‌ی شما است و حج شما به سوی او می‌باشد؛ و تا خداوند سبحان و متعال بگوید که من کعبه را فقط به خاطر علی (علیه السلام) و اینکه علی (علیه السلام) در آن متولد شود آفریده‌ام، و اگر مرا فرزندی می‌بود، همانی بود که در خانه‌ام به دنیا آمده است: (بگو: اگر خدای رحمان را فرزندی می‌بود، من از نخستین پرستندگان می‌بودم) ([314]).

فَمَنْ الْأُولَى أَنْ يَتَّخِذَ قَبْلَةَ؛ الْأَحْجَارِ، أَمْ الَّذِي قَدَسَ الْأَحْجَارِ بَوْلَادَتِهِ فِيهَا؟

حال چه چیز سزاوارتر است که به عنوان قبله برگرفته شود؟ سنگ‌ها؟! یا آن کسی که سنگ‌ها را با ولادت خویش در آن، قداست بخشیده است؟

قال عيسى (عليه السلام) ما معناه: (أنتم علماء السوء تقولون من. حلف بالهيكل لا يلتزم بيمينه ولكن من حلف بذهب الهيكل يلتزم بيمينه، فأیما أعظم أيها الجهال العميان؛ الذهب أم الهيكل الذي قدس الذهب) ([315]).

عیسی (علیه السلام) سخنی به این معنا می‌فرماید: (شما ای علمای بی‌عمل! می‌گویید: آن که به هیكل سوگند یاد کند، بر سوگندش استوار نمی‌ماند ولی کسی که به طلا هیكل قسم بخورد، بر سوگندش پایبند می‌ماند. ای کوردلان، کدام یک بزرگ‌تر است؟ طلا یا هیکلی که به طلا قداست بخشیده است؟) ([316]).



[301] - طه : 115.

[302] - عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: (أخذ الله الميثاق على النبيين، وقال ألسن ربكم، وأن هذا محمد رسولي وأن علياً أمير المؤمنين؟ قالوا: بلى فثبتت لهم النبوة. ثم أخذ الميثاق على أولي العزم أني ربكم ومحمد رسولي وعلي أمير المؤمنين والأوصياء من بعده ولاية أمري وخزان علمي، وأن المهدي أتتصر به لديني، وأظهر به دولتي، وأنتقم به من أعدائي وأعبد به طوعاً أو كرهاً. قالوا: أفرنا - يا ربنا - وشهدنا. لم يجحد آدم (عليه السلام)، ولم يقر، فثبتت

العزيمة لهؤلاء الخمسة في المهدي (عليه السلام)، ولم يكن لأدم عزيمة على الإقرار، وهو قول الله تبارك وتعالى: وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلِ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا بصائر الدرجات : ص 90 ح 2.

[303] - طه: 115.

[304] - از ابو جعفر (عليه السلام) روایت شده است که فرمود: (خداوند از پیامبران عهد گرفت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ و آیا این محمد، فرستاده‌ی من و علی امیر المؤمنین نیست؟ گفتند: بلی؛ پس نبوت برای آنها ثابت گردید. سپس عهد و میثاق بر اولوالعزم گرفته شد که من پروردگار شما هستم و محمد، فرستاده‌ی من و علی امیر المؤمنین و اوصیای پس از او والیان امر من و خزاین علم من و اینکه با مهدی دینم را پیروز می‌گردانم و دولت و حکومت را آشکار می‌سازم و با او از دشمنانم انتقام خواهم گرفت و با او عبادت خواهم شد، چه با اکراه و چه با رضایت. همه گفتند: اقرار کردیم ای پروردگار و شهادت می‌دهیم. آدم (عليه السلام) نه اقرار کرد و نه انکار نمود. بنابراین، عزمی برای این پنج مورد تا مهدی (عليه السلام) تثبیت گردید در حالی که آدم (عليه السلام) عزم و استواری در چنین اقرار و اعترافی نداشت؛ که این همان سخن خداوند تبارک و تعالی است که می‌فرماید: (و ما پیش از این با آدم پیمان بستیم؛ ولی فراموش کرد و او را استوار و ثابت قدم نیافتیم). بصائر الدرجات: ص 90 ح 2.

[305] - عن الفضيل، عن أبي جعفر (عليه السلام)، قال: نظر إلى الناس يطوفون حول الكعبة، فقال: (هكذا كانوا يطوفون في الجاهلية، إنما أمروا أن يطوفوا بها، ثم ينفروا إلينا فيعلمونا ولايتهم ومودتهم ويعرضوا علينا نصرتهم، ثم قرأ هذه الآية: واجعل أفئدة من الناس تهوي إليهم) الكافي : ج 1 ص 392 ح 1.

[306] - از فضیل از ابو جعفر (عليه السلام) روایت شده است: حضرت، به مردمی که گرد کعبه طواف می‌کردند نگاهی انداخت و فرمود: (در جاهلیت، اینگونه طواف می‌کردند. آنها فرمان داده شده‌اند که گرد آن طواف کنند؛ سپس به سوی ما بیایند تا ما ولایت و دوستی آنها را بدانیم و یاری‌شان را بر ما عرضه بدارند) سپس این آیه را تلاوت فرمود: (پس دل‌های مردمان را چنان کن که به سوی آنها متمایل گردد). کافی: ج 1 ص 392 ح 1.

[307] - الرعد : 15.

[308] - رعد: 15.

[309] - الحج : 18.

[310] - حج: 18.

[311] - الحج : 18.

[312] - حج: 18.

[313] - الزخرف : 81.

[314] - زخرف: 18.

[315] - الكتاب المقدس / العهد الجديد - الكنيسة : ص 42، وفيه : (16 ويل لكم أيها القادة العميان القائلون من حلف بالهيكل فليس بشئ. ولكن من حلف بذهب الهيكل يلتزم . 17 أيها الجهال والعميان أيما أعظم الذهب أم الهيكل الذي يقدر الذهب ...) .

[316] - کتاب مقدس: عهد جدید - کنیسه: ص 42. و همچنین در آن: (1 وای بر شما ای پیشوایان کوردل که می‌گویید: کسی که به هیکل سوگند یاد کند، کاری صورت نداده است ولی آن که به طلای هیکل قسم بخورد، پایبند می‌ماند 17 ای نادانان و ای کوردلان! کدام یک بزرگ‌تر است؟ طلا؟! یا هیکلی که به طلا قداست بخشیده است؟....).